

## نگاهی به لالایی‌های کرمان

ابراهیم جمالی سوسفی<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله حاضر جزئی از پژوهشی است با نام «جایگاه لالایی‌ها در فرهنگ ایران» که به گردآوری، دسته‌بندی و معرفی بخشی از بهترین لالایی‌های ایرانی در مرکز فرهنگ مردم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

در این مقاله، ضمن بررسی ساختار ادبی لالایی‌ها، درونمایه و ساختار معنایی لالایی‌ها نیز مدنظر قرار دارد. بررسی عناصر اصلی به کار رفته در لالایی‌های کرمان و بسامد آنها نیز یکی دیگر از مباحث اصلی این مقاله است که از رابطه میان اقلیم، نوع معیشت و شیوه زندگی مردم با عناصر اصلی به کار رفته در لالایی‌های این منطقه حکایت دارد.

در بخش پایانی، با اشاره به برخی از کارکردهای لالایی‌ها در گذشته و حال ضرورت گردآوری و طبقه‌بندی آنها عنوان شده است. روش به کار گرفته در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای بوده که با استفاده از فیش‌های جمع‌آوری شده در آرشیو مرکز فرهنگ مردم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** لالایی‌ها، کرمان، فرهنگ عامه، ادبیات شفاهی، ترانه‌ها

---

۱. کارشناس ارشد مردم‌شناسی - (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد خرم‌آباد)  
(Sosfi 2007@yahoo.com)

## مقدمه

ترانه‌ها بخشی از ادبیات شفاهی جامعه ما را تشکیل می‌دهد. که آفریده ذهن توده مردم است؛ ادبیاتی که از میان مردم شکل گرفته، به کمال رسیده و مطابق با فرهنگ‌ها، اقوام، زبان‌ها و متناسب با شرایط اجتماعی، دگرگونی‌هایی را پذیرفته و در عین حال دربردارنده ویژگی‌های خاصی است. از ویژگی‌های ترانه‌های عامیانه، سادگی بیان و روانی کلام است، به نحوی که برای درک آن نیازی به تأمل نیست و به آسانی قابل فهم است. شاید بتوان سادگی و کوتاهی ترانه را به نوعی با ارزش وقت در جامعه روستایی مربوط دانست... و البته واقعگرایی را نیز از ویژگی‌های ترانه‌های عامیانه، باید دانست» (سادات اشکوری، ۱۳۷۷: ۶۴).

یکی از شایع‌ترین و در عین حال دیرپاترین بخش ترانه‌ها، ترانه‌های کودکان است که لالایی‌ها قسمت عمده آن را تشکیل می‌دهد و از قدمتی کهن برخوردارند تا جایی که قدمت نخستین آوازی که به گوش بچه می‌خورد، (نوشته‌های پراکنده، ب تا: ۳۶۲) به زمان‌های بسیار دور می‌رسد و «نه مسئله‌ای تاریخی، بل معمایی باستان‌شناختی دارد». (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۷۷: ۱۷۶).

لالایی‌ها بخش قابل توجهی از ترانه‌هایی را تشکیل می‌دهد که با طبیعت و زندگی مردم پیوندی وثیق یافته‌اند و نشان دهنده ابعاد مختلف «مادی و معنوی» فرهنگ هستند» (میهن دوست، ۱۳۵۵: ۷). گستردگی این ابعاد در ترانه‌های ملی سرزمین ما ضرورت گردآوری، طبقه‌بندی، تحلیل و معرفی آنها را ایجاب می‌کند. پژوهشگران عرصه فرهنگ عامه و مردم‌شناسی از دیرباز آن را مورد توجه قرار داده‌اند. در این مقاله نیز تلاش می‌شود تا با معرفی برخی از لالایی‌های متداول در استان کرمان به لحاظ ساختار معنایی، ساختار ادبی، قالب شعری، عناصر اصلی به کار رفته در لالایی، مضامین لالایی‌ها و برخی کارکردهای لالایی‌ها در گذشته و حال همراه با مثال‌هایی از لالایی‌های کرمان مورد بررسی قرار گیرد.



### ساختار و قالب لالایی‌های کرمان

لالایی‌های کرمان، مانند دیگر لالایی‌های ایرانی ویژگی‌هایی دارند که از این میان می‌توان به وزن و موسیقی به عنوان شاخص‌های بارز آن اشاره کرد. این لالایی‌ها بیشتر دارای وزن و قافیه بوده و از تکرار مصراع‌های کوتاه به وجود آمده‌اند. رایج‌ترین قالب در لالایی‌های کرمان دوبیتی است که از کنار آن می‌توان به برخی مثنوی‌های نه‌چندان بلند و گاه ترکیبی فرد از مصراع‌های مقفی نظیر سه مصراعی، پنج مصراعی و ... نیز اشاره کرد. ساختار این لالایی‌ها عمدتاً از تکرار پایه مفاعیلن در مصراع‌های متوالی به وجود آمده است که دو بار یا بیشتر تکرار می‌شود.

دوبیتی

Lâlâ, lâlâ goli dâram	لالا لالا گلی دارم
Be gâ čo bolboli dâram	به گا چو بلبلی دارم
Be gâ čo bolbole bâqi	به گا چو بلبل باقی
Ke az gol behteri dâram	که از گل بهتری دارم

مثنوی

Olâ lâlâ gole xašxâš	اولا، لالا گل خشخاش
Bâbât rafte xoda hamrâš	بابات رفته خدا همراهش
Bâbât rafte be golčini	بابات رفته به گل چینی
Miare qando dârčini	می یاره قند و دارچینی
Ke dârčini geron kardand	که دارچینی گرون کردند
Dele rodrom be xon kardana	دل رودم به خون کردند

پنج مصراع‌ی (پنج خستی)

این دسته از لالایی‌ها به دو شکل دیده می‌شوند: ۱- پنج مصراع با قافیه مشترک یا ترکیبی از یک سه مصراع‌ی دیگر که دو به دو هم قافیه باشند که گاهی منجر به شکل‌گیری لالایی‌ها با پایه مصراع‌های فرد بیشتر می‌شود.

Olâ lâlâ gole zire	اولا لالا گل زیره
Bâbât rafte zani gire	بابات رفته زنی گیره
Kanizi var to migire	کنیزی ور تو می گیره
Kanize to siâ bâše	کنیز تو سیاه باشه
Gela bandeš talâ baše	گلوبندش طلا باشه

سه مصراعی (سه خشتی)

Âlâ lâlâ be gahvâre	آلا لالا به گهواره
Ke gahvâre gerân bâre	که گهواره گرانباره
Xodâ teflam negahdâre	خدا طفلم نگهداره

پیروی نکردن از قواعد و الزامات شعری از دیگر نکات قابل بحث در لالایی‌های کرمان است که البته تعداد این گونه موارد در میان لالایی‌های مورد بررسی چندان زیاد نیست. به نظر می‌رسد سراینده‌گان این گونه لالایی‌ها تبحر کافی نداشته و برای برطرف کردن این ضعف، بیشتر از مؤلفه ریتم (ضرباهنگ) بهره می‌گرفته‌اند.

Olâ lâlây lâlâtam	اولا لالای لالاتم
Asire daste bâbâtam	اسیر دست باباتم
Xodam gorbone xâbâtam	خودم قربون خواباتم
Balâm lâlây, balâm lâlây	بلام لالای؛ بلام لالای
Biyâ bâbâ be bâqaš bar	بیا بابا به باغش بر
Be sile sib o nâraš bar	به سیل سیب و نارش بر
Bečîn nâron be gušaš kon	بچین نارون به گوشش کن
Za gerye xâmošaš mikon	ز گریه خامشش می‌کن

آنجا که لالایی‌ها چندان تابع قواعد شعری نیستند، بعد موسیقایی آنها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند تا نقایص موجود در آن را پوشانند یا تحت الشعاع قرار دهد. ویژگی موسیقایی که در ذات لالایی نهفته است، اهمیتی فراتر از این موضوع دارد و به قولی شاید اساسی‌ترین وجه تمایز این نوع قالب شعری با صورت‌های دیگر آن باشد (مقدس، ۱۳۸۳: ۹) علاوه بر کارکرد بعد موسیقایی لالایی در خواباندن کودک و استفاده از انواع ملودی‌های ساده و رمانتیک که موجب دلنشینی هرچه بیشتر آنها می‌گردد، بسیاری از ضعف‌های ساختاری شعری لالایی نیز جبران می‌شود که این موضوع در لالایی‌های کرمان قابل توجه است.

## درونمایه و ساختار معنایی لالایی‌ها

لالایی‌های کرمان بیشتر دارای مفاهیم ساده و اغلب متأثر از طبیعت و محیط پیرامون هستند. جنبه‌های عاطفی و روانی در این لالایی‌ها به قدری زیاد است که توانسته نقش به‌سزایی در ایجاد و استمرار ارتباط میان کودک با مادر و محیط اجتماعی ایفا کند. مضامین و عناصر اصلی به کار رفته در لالایی‌های کرمان را می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی کرد:

۱- دسته اول شامل گلایه‌ها و دردها، شکایت از فراق و جدایی، ناملایمات روزگار و سختی معیشت و مهم‌تر از همه حدیث نفس مادران به عنوان سراینندگان یا اجراکنندگان لالایی‌ها، در شکایت از دوری همسر یا فرزند، گلایه از بی‌وفایی شوهر، فقر و تنگدستی و غریبی و غربت می‌شود که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

Olâ, lâlây, gole âlu	اولا، لالای، گل آلو
Azizam masto xâbâlu	عزیزم مست و خواب‌آلو
Bexâb junom bokon lâlâ	بخواب جونم، بکن لالا
Be qorbat miravi fardâ	به غربت می‌روی فردا

Olâ, lâlây, lâlâey	اولا، لالای، لالایی
Koĵa rafti nemiâey	کجا رفتی نمی‌آیی؟
Ke az duriye to mordam	که از دوری تو مردم
Nadâram tâbe tanhâi	ندارم تاب تنهایی
Lâlâ lâlâ, dor dar guš	لالا، لالا، دُر در گوش
Begir dastam bebar befruš	بگیر دستم ببر بفروش
Be nim man nuno si sang gušt	به نیم من نون و سی سنگ گوشت
Lâlâ, lâlâ gole zire	لالا، لالا، گل زیره
Bâbât rafte zani gire	بابات رفته زنی گیره
Nanot az qosse mimore	ننوت از غصه می‌میره

Lâlâ, lâlâ , gole xašxâš	لالا لالا گل خشخاش
Bâbât rafte xodâ hamrâš	بابات رفته خدا همراهش
Bâbât rafte, safar rafte	بابات رفته سفر رفته
Ke az mâ bixabar rafte	که از ما بی‌خبر رفته

۲- دسته دیگر بیشتر دربر دارنده مضامینی نظیر آرزوها و آمال مادران است. سلامتی و تندرستی فرزند، بزرگ شدن و ازدواج کردن، رسیدن به جاه و مقام، کسب ثروت، علم و دانش و نیز دعا کردن و تشبیه نمودن فرزند به مصادیق زیبایی چون گل‌ها عمده‌ترین مضامین این دسته از لالایی‌های کرمان را تشکیل می‌دهند:

Olâlâ, lay, lâlâey	اولالا، لای، لالایی
Azizom mire mollâi	عزیزم میره ملایی
Ke yâd gire kalâmollâ	که یاد گیره کلام الله
Negah dâreš rasulollâ	نگهدارش رسول الله

Lâlâ, lâlâ ali malmal	لالا، لالا، علی مل مل
Bebandom taxt az sandal	بنبدم تخت از صندل
Agar âllâh kone yâri	اگر الله کنه یاری
Bebandom taxte dâmâdi	بنبدم تخت دامادی
Lâlâ lâlâl gole zardom	لالا لالا گل زردم
Nabinam daqe farzandom	نبینم داغ فرزندم
Hamin farzande delbandom	همین فرزند دلبندم
Ke del bar to hami bandom	که دل بر تو همی بندم

و یا

اولالا، لالا گل زیره / بابات رفته زنی گیره / کنیزی ور تو می‌گیره / کنیز تو سیاه باشه /  
 گلوبندش طلا باشه / طلا رسم بزرگونه / که نقره در قلمدونه / قلم سرکار دیوونه /  
 نویسنده به کرمونه.

۳- دسته سوم لالایی‌هایی با مضامین سیاسی و اجتماعی هستند. به نظر می‌رسد این لالایی‌ها بیشتر ساخته و پرداخته شاعرانی هستند که زمان انقلاب مشروطه به بعد به سرودن لالایی پرداخته‌اند؛ لالایی‌هایی که از سوی برخی از شاعران بزرگ و بنام سروده شده و مسائل سیاسی و اجتماعی را دستمایه اصلی کار قرار داده است. در کنار این دسته از شاعران معروف نظیر شاملو یا اخوان ثالث، برخی شاعران محلی نیز لالایی‌هایی با مضامین سیاسی سروده‌اند و برخی از افراد عادی جامعه نیز به تأسی از آنان در مواردی به ساختن این‌گونه لالایی پرداخته‌اند:

Lâlâ, lâlâ gole zire	لالا لالا گل زیره
Mohamad xân be zanjire	محمدخان به زنجیره
Abolfat xân qami mire	ابوالفتح خان غمی میره
Ke ta donyâ qarâr gire	که تا دنیا قرار گیره
Cherâ xâbet nemigire	چرا خوابت نمی‌گیره

### بسامد عناصر اصلی به کار رفته در لالایی‌ها

فراوانی و تکرار هریک از عناصر به کار رفته در لالایی‌ها، درجه اهمیت آنها در جامعه مورد نظر است که این دسته از عناصر را می‌توان به دو گروه عناصر مادی و معنوی تقسیم کرد. گفتنی است هر یک از این گروه‌ها از تنوع قابل توجهی برخوردارند که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. عناصر مادی به کاررفته در لالایی‌ها تابعی از محیط طبیعی، شیوه‌های تولید و سبک زندگی است. در عین حال می‌توان تأکید کرد که عناصر غیرمادی به کار رفته در لالایی‌ها نیز نشان دهنده نوع اعتقادات، باورها و به طور کلی نگرش‌های جامعه‌ای است که لالایی‌ها در آن شکل گرفته‌اند. از عناصر دارای بسامد بالا در لالایی‌های کرمان می‌توان مواردی نظیر انواعی از گل‌ها و گیاهان، حیوانات و جانوران اهلی و وحشی، اصطلاحات و مفاهیم کشاورزی و برخی مفاهیم مذهبی را نام برد.





با وجود عمومیت به کارگیری نام گل‌ها و گیاهان در لالایی‌های ایرانی می‌توان رابطه معناداری میان بسامد آنها در لالایی‌های مناطق مختلف مشاهده کرد. در لالایی‌های کرمان گل‌هایی نظیر سوسن، لاله، آلو، زردآلو، خشخاش، دارچین، زیره، خیری، بادام، سیاهدانه، بوهمبو، دشتی، نعنا، نرگس، پونه و جوشن بسامد قابل توجهی دارند و اغلب عنصر اصلی برای تشبیه کودک و بهانه‌ای برای سرودن لالایی هستند. با اندکی توجه به این گونه‌های گیاهی، می‌توان به رابطه موجود میان اقلیم کرمان و برخی از آنها پی برد که جزء گونه‌های بومی کرمان دسته‌بندی شده و به لحاظ معنایی و کیفیت نزد مردم سایر نقاط ایران نیز شناخته شده‌اند. زیره، دارچین، خشخاش و... نمونه‌هایی از این دست هستند.

گونه‌های جانوری به کار رفته در لالایی‌های کرمان نیز به گونه‌ای نشان‌دهنده انواعی

از جانوران مورد توجه در این منطقه است که از میان آنها می‌توان به بلبل، پلنگ، خر، سگ، مرغ، لولو، شتر، لوک و اسب اشاره کرد که تکرار قابل توجهی داشته‌اند و بیانگر اهمیت و نقش آنها در نوع زندگی و معیشت مردم کرمان در گذشته‌های نه چندان دور است.

علاوه بر عناصر ذکر شده، برخی از اصطلاحات و واژه‌های مربوط به مشاغل نیز در لالایی‌های کرمان زیاد به چشم می‌خورد که در این میان اصطلاحات مربوط به کشاورزی شاخص‌تر از سایر مشاغل است. کلماتی نظیر آب، خرمن، درخت، باغ، گل،



گلاب، بیابان، کرت، چمن، جو، گندم، درو، خوشه، بیل، خیار، هندوانه، آبیاری و... از جمله عناصر به کار رفته در این لالایی‌ها هستند که تکرار بسیار آنها نشان‌دهنده نوع غالب معیشت منطقه و اهمیت این عناصر در زندگی مردم است.

مفاهیم مذهبی، دسته دیگری از عناصر با تکرار زیاد در لالایی‌های کرمان هستند که از نوع باورها و اعتقادات دینی مردم حکایت دارند. در میان این دسته از واژگان، بسامد برخی بسیار زیاد است که درجه اهمیت این مفاهیم را نزد مردم نشان می‌دهد. از جمله این موارد می‌توان به کلماتی نظیر کلام‌الله، رسول‌الله، قرآن، حضرت علی (ع)، خدا، پیغمبر، زکات، جهنم، الحمد، قل هو الله، گلدسته و... اشاره کرد.

برخی عناصر دیگر نیز در لالایی‌های کرمان به چشم می‌خورند که البته بسامد کمتری نسبت به موارد ذکر شده دارند. مفاهیم مربوط به خانواده و خویشاوندی نظیر بابا، ننه، دادا، کاکا، کنیز، دایه و نیز جواهرات و کالاهای گران‌قیمت که بیانگر جایگاه اقتصادی هستند؛ مثل طلا، نقره، ڈر، مروارید، ململ، مخمل، دستبند، گلوبند از جمله

این موارد به شمار می آیند.



### کارکردهای لالایی‌ها

ماندگاری طولانی لالایی‌ها و انتقال مداوم آنها از نسلی به نسلی دیگر نشان دهنده اهمیت کارکردی این بخش از فرهنگ عامیانه در جامعه ماست که البته در دوره‌های اخیر با تغییرات فرهنگی در بسیاری از موارد از اهمیت و ضرورت کارکردی آن کاسته شده و در عین حال بسیاری از نقش‌ها و وظایف این بخش از فرهنگ جامعه به عهده نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات جدید نهاده شده است.

از جمله کارکردهای بارز لالایی‌ها در گذشته و حال می‌توان به ایجاد آرامش برای کودک و مادر اشاره کرد. تکرار مداوم ریتم‌های خوشایند مورد استفاده در لالایی‌ها، زمینه‌های انبساط خاطر بیشتر و خواب بهتر برای کودکان را فراهم می‌کند، ضمن آنکه اجرای لالایی‌ها فرصتی منحصر به فرد برای مادران اجراکننده آن، برای بازگو کردن بسیاری از دردها، رنج‌ها و آرزوها فراهم می‌آورد و از فشارهای روحی و روانی آنها تا حد زیادی می‌کاهد.

از دیگر کارکردهای لالایی‌ها می‌توان به یادگیری زبان و واژگان مربوط به آن اشاره کرد که با تکرار مداوم لالایی‌ها زمینه یادگیری زبان برای کودک فراهم می‌شود، ضمن آنکه با انتقال بسیاری از معانی و مفاهیم در قالب ارزش‌ها، هنجارها و مقررات

اجتماعی به کودکان طی سال‌های نخستین زندگی، زمینه‌های اجتماعی شدن بهتر آنان نیز فراهم می‌آید. البته این امر امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به عنوان یکی از وظایف اصلی نهاد خانواده چندان جدی گرفته نمی‌شود و نهادهایی مانند مهدکودک، پیش‌دبستانی، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی انجام این امر را به عهده گرفته‌اند. از دیگر کارکردهای مهم لالایی‌ها می‌توان به حفظ، صیانت و در عین حال انتقال فرهنگ به معنای عام خود طی قرون متمادی در جامعه ایران اشاره کرد که متناسب با موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مختلف به عنوان ابزاری کارآمد و ظرفی با گنجایش در خدمت پاسداری از فرهنگ جامعه قرار گرفته است.

### جمع‌بندی

لالایی‌ها به عنوان بخشی از ادبیات شفاهی جامعه، برگرفته از ذهنیت توده مردم هستند و مفاهیم متنوعی را به طور غیرمستقیم به ذهن شنونده منتقل می‌کند. ریشه‌دار بودن لالایی‌ها در مضامینی چون طبیعت، مذهب و سنت‌ها سبب شده تا از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در بین افراد جامعه، ماندگار شود. مواردی نظیر «ایجاد آرامش برای مادر و کودک»، یادگیری زبان و واژگان، انتقال بسیاری از معانی و مفاهیم در قالب ارزش‌ها، هنجارها و مقررات اجتماعی به کودکان می‌تواند از جمله کارکردهای لالایی‌ها باشد. استفاده از لالایی‌ها برای یادگیری، گسترش و انتقال مضامین فرهنگی تأثیر به‌سزایی را در توسعه فرهنگی جامعه ایفا کند.

### منابع

- ۱- احمد پناهی سمنانی، محمد، ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، تهران: سروش، ۱۳۷۷.
- ۲- سادات اشکوری، کاظم، «اشاره به مردم‌شناسی»، تهران: نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۱، ۱۳۷۷.
- ۳- مقدسی، صادق، لالایی؛ «کهن‌ترین زمزمه سحرانگیز ماده» تهران: فرهنگ مردم،

شماره ۲، ۱۳۸۳

۴- میهن دوست، محسن، کله فریاد (ترانه‌های خراسان)، تهران: مرکز مردم‌شناسی

ایران، ۱۳۵۵

۵- هدایت، صادق، نوشته‌های پراکنده، به کوشش حسن قائمیان، تهران: امیرکبیر،

بی تا.

